خبر

رئیس سازمان سینمایی خبرداد

بازنگری در آیین‌نامه‌های پروانه ساخت و نمایش

• رئیس سازمان سینمایی درباره آینده سازمان سینمایی و همچنین راهکارهای این سازمان برای برون‌رفت از مشکلات توضیحاتی را ارائه داد.

رئیس سازمان سینمایی با بیان اینکه احیای شورای عالی سینما یک ضرورت بود، گفت: اگر می‌خواهیم سینما در آینده پیشرفت کند و مشکلات قانون‌گذاری در حوزه سینما نداشته باشیم باید برای احیای شورای عالی سینما اقدام می‌کردیم. در دوره آقای شمقدری زمانی که سازمان سینمایی شکل گرفت ایشان تصمیم گرفتند با حمایت شخص رئیس‌جمهور وقت، شورای عالی سینما ایجاد شود اما در حدود ۱۰ سال این شورا تعطیل شد. محمد خزاعی با اشاره به اینکه در بسیاری از نقدها می‌خواندم که پرسیده بودند «آیا در شورای عالی سینما تصمیمات جدیدی گرفته خواهد شد؟» افزود: وقتی این موضوع با وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی مطرح شد و ایشان در جلسه هیئت دولت با آقای رئیس‌جمهور مطرح کردند به‌شدت استقبال شد و این نشان می‌دهد که دولت سیزدهم و شخص اول قوه مجریه جناب آقای رئیسی اهتمام ویژه‌ای به جریان سینما دارند و همچنین شناخت بسیار خوبی از تأثیرگذاری سینما در دیپلماسی فرهنگی و مشکلات داخلی دارند که تصمیم می‌گیرند تا شورای عالی سینما سریع‌تر احیا شود. او خاطرنشان کرد: با وجود همه مشکلات این موضوع را در دستور کار قرار دادند و گفتند در آذرماه اولین جلسه شورای عالی سینما را داشته باشیم. این شورا کمک خواهد کرد تا ما به برنامه‌هایی که در آینده مد نظرمان است، برسیم. رئیس سازمان سینمایی گفت: یک‌سری قوانین داریم که اگر می‌خواستیم این قوانین را برای اعتلای سینمای ایران در حوزه دیپلماسی، بین‌الملل و داخلی از طریق مکانیسم معمول اداری جلو ببریم، شاید هر قانون چهار سال طول می‌کشید. وقتی شورای عالی سینما، در عالی‌ترین سطح شکل می‌گیرد و قبل از آن کمیسیون‌های تخصصی در سازمان سینمایی، چالش‌ها و معضلات سینمای ایران و مباحث راهبردی را که باعث پیشرفت سینمای ایران می‌شوند، استخراج می‌کنند و آنها در شورای عالی سینما مطرح کنند، مسیر برای حل اساسی‌تر مشکلات هموارتر است.

بسیاری از قوانین ما هنوز مربوط به دهه ۶۰ است

خزاعی با اشاره به دیدار خود با اهالی خانه سینما طی هفته گذشته گفت: از هیئت‌مدیره خانه سینما سؤال کردم شما که سال‌ها فعالیت صنفی انجام می‌دهید، مهم‌ترین مشکل چیست؟ چرا بیمه بی‌کاری، امنیت شغلی، معیشت و... هنرمندان برطرف نشده است؟ لازم است به سازوکارهایی برسیم تا به مسائل سینمای ایران جدی‌تر پرداخته شود. وی ادامه داد: بسیاری از قوانین ما مربوط به دهه ۶۰ است؛ مثل پروانه نمایش و پروانه ساخت؛ به‌همین‌دلیل تجدید نظر در قانون پروانه ساخت و نمایش را در دستور کار قرار دادیم و اگر قرار باشد از طریق هیئت وزیران مجوز آنها را بگیریم، شاید پروسه دوساله داشته باشد اما شورای عالی سینما کمک خواهد کرد تا ما سریع‌تر این مرحله را طی کنیم. رئیس سازمان سینمایی با بیان اینکه شورای عالی سینما تعریفی دارد که قبلا مصوب شده است، بیان کرد: تغییراتی در آخرین آیین‌نامه آن انجام شده است. این شورا ترکیبی از اشخاص حقیقی و حقوقی است. آخرین جمع‌بندی را با وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی و بعد از آن با نهاد ریاست‌جمهوری انجام خواهیم داد. در ابتدا باید کمیسیون‌های تخصصی را تشکیل بدهیم. اشخاص حقوقی پنج نفر و حقیقی ۹ نفر هستند. البته در جمع‌بندی نهایی احتمال دارد تعدادی از این اشخاص کاهش پیدا کند. خزاعی درباره برنامه‌های خود برای آسیب‌های کرونا به بخش فرهنگ، گفت: بحران کرونا برای همه مشاغل مانند سینما، تئاتر، موسیقی، کتاب و در مجموع حوزه فرهنگ آسیب زیادی در پی داشته و موجب شده بسیاری از خدمات فرهنگی تعطیل و دچار مشکلات عدیده‌ای شود. بیشترین ضرر را سالن‌های سینما و برخی تهیه‌کنندگان دیده‌اند. برخی از تهیه‌کننده‌ها آثارشان مربوط به بخش دولتی می‌شود که ضرر آنها متوجه دولت خواهد شد اما بخشی از آثار با سرمایه‌های بخش خصوصی ساخته شده است که امید داشتند تا سرمایه‌شان برگردد و در مرحله اکران به سوددهی برسند. در حوزه سینماداران برنامه‌ای را مدون کردیم تا طی چند ماه کمک‌هایی به سالن‌های سینمایی داشته باشیم. سالن‌های سینمایی بخش خصوصی فعال و سالن‌های سینمایی بخش خصوصی غیرفعال که با کمک ما می‌توانند فعال شوند. یکی از شرط‌های کمک به این سالن‌ها این است که پویا شوند و اکران فیلم داشته باشند. او با ابراز امیدواری به اینکه در سال ۱۴۰۱ در این رابطه مشکل خاصی نخواهیم داشت، افزود: چشم‌انداز من این است که از بهمن‌ماه مخاطب به سمت سینماها خواهد آمد و امید دارم از سال ۱۴۰۱ مشکلات سینماها برطرف شده باشد. امروز نسبت به دو ماه قبل وضعیت سینماها خیلی بهتر شده است. برنامه‌ای هم برای فیلم‌های صف اکران داریم -که تعداد آنها کم نیست -. امروز تقریبا بالغ بر ۲۵۰ فیلم آماده اکران داریم اما شرایط برایشان فراهم نیست. در حال برنامه‌ریزی هستیم و جلساتی با معاونت نظارت و ارزشیابی سازمان سینمایی داشتیم که چگونه می‌توانیم کمک کنیم تا آنهایی که علاقه‌مند به اکران هستند تا پایان سال برنامه‌ریزی برای اکران داشته باشند.

گفت‌وگو با حسین ریگی، کارگردان فیلم تحسین‌شده «لیپار» در جشنواره فیلم کودک و نوجوان

فیلمی در ستایش سینما

فرانک آرتا

«لیپار» نخستین فیلم بلند داستانی حسین ریگی محسوب می‌شود که فیلم‌نامه این اثر توسط خود او و حسام فرهمندجو به نگارش درآمده است. داستان این فیلم درباره نوجوان بلوچی است که عشق به سینما دارد. ریگی که خود اهل سیستان‌وبلوچستان است همواره به فیلم‌هایی که صرفا به مسائل قاچاق و... اشاره می‌کردند اعتراض می‌کرده و معتقد است ظرفیت فرهنگی مردم این منطقه آن چیزی نیست که در این نوع فیلم به نمایش گذاشته می‌شود. حالا او با ساخت فیلمی رؤیاپردازانه ادای دینی کرده به فرهنگ و مردم این استان. فیلم او به‌تازگی در جشنواره کودک مورد توجه قرار گرفت و توانست سه جایزه کسب کند.

چطور شد که چنین داستانی را برای فیلم اولتان انتخاب کردید؟

سال‌ها در سیستان‌وبلوچستان فیلم‌های کوتاه و مستند ساختم و معمولا محور مستندها و فیلم‌های داستانی من کودکان و نوجوانان بودند. وقتی قرار شد این فیلم را بسازم تصمیم گرفتم سراغ دغدغه ذهنی خودم که همان کودکان و نوجوانان است بروم. ایده‌ای به ذهنم رسید درباره پسری که عاشق سینماست که ایده قدیمی من بود. با آقای گلستانی طرحی را براساس کانسپتی که داشتیم نوشتیم و بنیاد سینمایی فارابی آن طرح را در ابتدا رد کرد و بعد با آقای شیخ‌الاسلام و خانم نظرقربانی و خانم نادری فیلم‌نامه جدید را براساس کانسپت اصلی نوشتیم. موافقت شد و ما کار را شروع کردیم. تهیه‌کننده جدیدی به کار اضافه شد و با آقای پایداری فیلم‌نامه دیگری براساس کانسپت نوشتیم و زمانی که آقای خانی قبول کردند تهیه‌کننده کار ما باشند در فیلم‌نامه تغییرات اساسی دادیم و با حضور آقای فرهمند و مشاوره‌های خیلی دقیق آقای محمدرضا گوهری به فیلم‌نامه فعلی «لیپار» رسیدیم. از زمان ابتدای طرح که در فارابی نوشته شد، تیمی که با همکاری بنیاد سینمای فارابی و با حضور آقای حسین شیخ‌الاسلام همراه بود با هفت، هشت نفر از تهیه‌کنندگان صحبت کردیم و در انتها با سپهر سیفی به توافق رسیدیم که یک ماه قبل از شروع پروژه این همکاری متوقف شد و با پیشنهاد آقای امیرحسین علم‌الهدی به‌عنوان مشاور پروژه، آقای سعید خانی تهیه‌کنندگی این کار را قبول کردند. در نهایت هم فیلم ساخته شد.

یادم هست قرار بود این پروژه را با مهناز افشار پیش ببرید. چرا آن تولید ادامه پیدا نکرد؟

در مراسمی که برای بزرگداشت خانم حمیرا ریگی که به مناسبت معرفی ایشان به‌عنوان سفیر برونئی گرفته بودیم خانم «مهناز افشار» به‌عنوان میهمان حضور پیدا کردند و وقتی متوجه شدند من قرار است فیلمی در سیستان‌وبلوچستان بسازم ایشان تمایلشان را برای همکاری و حتی سرمایه‌گذاری اعلام کردند که در نهایت با سفر ایشان به خارج از کشور این همکاری متوقف شد!

فیلم با رویکرد ستایش «سینمای هند» کمی سانتی‌مانتال به نظر می‌رسد و ممکن است برخی از مخاطبان را جذب نکند. تحلیل‌تان چیست؟

من مخالف این نگاه هستم که این فیلم در ستایش سینمای هند است! حضور سینمای هند در سیستان‌وبلوچستان بسیار ملموس است. اگر یادتان باشد در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ فیلم‌های هندی به صورت چمدانی یا بسته‌ای در مغازه‌ها یا کنار خیابان عرضه می‌شد و اتفاقا بیشترین فیلم‌هایی که در ایران و تهران دیده می‌شد همین فیلم‌های هندی بود. حس می‌کنم سینمای هند جزئی از فرهنگ سیستان‌وبلوچستان است که در این فیلم به نمایش درآمده است. البته نه همه فرهنگ! بلکه سینمای هند بر فرهنگ جامعه سیستان‌وبلوچستان تأثیر گذاشته است. و البته در فیلم می‌بینیم که پسر یعنی «برکت» به‌مرور با فیلم‌های تاریخ سینما آشنا می‌شود. در نهایت هم فیلم به طوری در ستایش سینماست.

نام خانوادگی ریگی اغلب یادآور عبدالمالک ریگی است؛ به‌طوری‌که گاهی اوقات برخی‌ها ممکن است دچار سوءتفاهم شوند. کمی در این‌باره توضیح دهید.

ریگی یک طایفه بزرگ در سیستان‌وبلوچستان است که خاستگاه اصلی‌شان این استان است؛ اما پراکندگی گسترده‌ای از بوشهر، بندرعباس، هرمزگان، سیستان‌وبلوچستان، خراسان جنوبی و حتی خراسان شمالی دارد و قطعا برای من با سؤالی که شما کردید، مشکلات و اتفاقات تلخ و شیرینی افتاده که تأثیرات خودش را گذاشته است. یکی از مسائل مهم این است که ریگی را طایفه بزرگی ببینیم که انسان‌های فرهیخته و عمیقی در این طایفه هستند که در سطح ملی و حتی جهان مطرح هستند.

در این فیلم برای نخستین بار با یک نوع دیگر از فرهنگ بلوچ آشنا می‌شویم. قبلا هم به رویکرد فیلم‌های قبلی اعتراض داشتید. چرا؟

اعتراضم به فیلم‌های قبلی این نیست که چرا چهره استان را جور دیگری نشان می‌دهند مثل طرح مسائل قاچاق، خون‌ریزی و...؛ چون چنین شرایطی در استان وجود دارد. بحث این است که باید تعادلی بین ساخت این نوع فیلم‌ها و فیلم‌هایی که درباره میهمان‌نوازی و آداب و رسوم این منطقه است وجود داشته باشد، چون اغلب فیلم‌ها وجه منفی استان را نشان داده‌اند، درحالی‌که مردم این منطقه وجوه دیگری هم دارند که در فیلم‌ها به آن توجه نمی‌شد!

موفقیت در جشنواره کودک را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

فیلم «لیپار» خوشبختانه مورد توجه قرار گرفت و میان تماشاگران بزرگسال و نوجوانان بازتاب خوبی داشت. آنها فضای فیلم را دوست داشتند و خوشبختانه فیلم در اختتامیه جشنواره هم دیده شد. خدا را شکر که سه جایزه بردیم. دیپلم افتخار برای نشان‌دادن چهره دیگری از جوانان سیستان‌وبلوچستان در سینما، از سوی دبیر جشنواره بود. جایزه دستاورد هنری را برای موسیقی فیلم آقای مسعود سخاوت‌دوست دریافت کرد و جایزه کارگردانی فیلم.

ضرورت تداوم فرهنگ‌ها یا عدم آن در گرافیک معاصر-۳

ناصر نصیری
طراح گرافیک، مدرس دانشگاه

فرهنگ واژه‌ای است با گستره تعریف و تعابیر گوناگون در شرق و در غرب، اما آنچه در تمامی این گونه‌های معنایی که در لغت‌نامه‌ها به طور مشترک به آن اشاره شده، مجموعه دانش‌ها، مهارت‌ها و آموزه‌های اجتماعی، هنر، باورها و عادات، اخلاق و هنجارهای مشترک یک جمع، فرهنگ آن جامعه را شکل می‌دهد. با تکیه بر این ویژگی‌های مشترک می‌توانیم در هر شهری مجموعه‌ای از فرهنگ‌ها را گرد بیاوریم که در عین اشتراکات بزرگ، گاهی نیز در تضاد یا تعارض با هم هستند. این تضادها اگرچه در مواردی ممکن است موجب اختلاف شوند اما در درازمدت به سوی هم حرکت کرده یا در هم ادغام می‌شوند یا به مرزی با حداقل اختلاف‌ها می‌رسند، در برخی موارد یکی بر دیگری فائق می‌آید و جایگزین می‌شود و گاهی در عین حفظ تمامیت اختلاف‌ها به همزیستی بدون مناقشه تن می‌دهند. این تأثیرها بر روند و حیات فرهنگ‌ها همیشه بوده و هست، چنان که امروزه بر سر اصالت برخی از باورها یا دستاوردها اختلاف‌هایی را مشاهده می‌کنیم. به‌عنوان مثال یک قطعه موسیقی یا ترانه را جمعی به زبان و قوم خود نسبت می‌دهند و جمعی دیگر آن اثر را متعلق به جامعه خویش می‌شمارند. اما آنچه در واقع به آن توجه نمی‌شود، شاید حرکت و همسویی است که در نهایت به تکاملی مقبول انجامیده و موجب شده تا هر کسی بخواهد آن دستاورد را مصادره به مطلوب کند. به هر روی آنچه نباید از آن غافل ماند، این است که نباید انتظار داشت و حتی نباید تلاش کرد تا فرهنگ‌ها در یک تعمیم آموزشی، دستوری یا حتی تهاجمی به یکدیگر تبدیل وضعیت دهند چراکه در چنین حالتی نه‌تنها آن تکامل از ادامه بازمی‌ماند؛ بلکه یکنواختی آزاردهنده‌ای شیوع پیدا می‌کند و این در نهایت بزرگ‌ترین آسیب به ادامه حیات فرهنگ‌هاست. حتی بین دو نفر از یک خانواده حتما اختلاف نظر در عقیده و سلیقه هست، این اختلاف نظرها در هر امری مثل کنتراست در نقاشی یا تباین معناست در ادبیات و همان‌طور که در نقاشی به ترکیب‌بندی زیبا و همین‌طور به تأویل‌پذیری معنا در شعر می‌انجامد، در جامعه نیز چنین وضعیتی را ایجاد می‌کند. یعنی جوامع مختلف را از حالت یکنواختی و تکرارپذیری نجات داده و به ایجاد تنوع هدایت می‌کند.

از سوی دیگر فرهنگ محصول آموزه‌های مکتبی یا نتیجه روابط کوتاه‌مدت نیست که به راحتی در مواجهه با هر پدیده نوظهور تسلیم آن شود، به عبارت بهتر عادت‌ها یا باورهای هر جامعه‌ای موضوعی نیست که بتوان آن را به‌راحتی دستخوش تغییر و تحریف قرار داد. مردم جامعه متعلق به یک فرهنگ با پیشینه مشخص؛ برای هر موضوعی مهارت‌های لازم، شیوه، رفتار و عملکرد منطبق با پذیرش مردم متعلق به همان جامعه را در اختیار دارند، بنابراین برای ایجاد هر تغییری در فرهنگ باید به مؤلفه‌های آشکار و پنهان جامعه هدف آگاه بود و با شناخت، کنترل و احترام درصدد تلطیف یا تبدیل جزء یا کل یک ماجرا در یک اقلیم فرهنگی مشخص برآمد.

هنر از دیرباز بازتاب‌دهنده مستقیم و بی‌واسطه فرهنگ‌های خرد و کلان بوده است، البته باید در نظر داشت که هنر فرهنگ‌های خُرد به مراتب از آسیب‌های دستوری یا سفارشی‌بودن، در امان بوده‌اند، در مقایسه با هنرهایی که تأثیر گسترده‌تری داشته‌اند و از خلوص بیشتری برخوردارند. به‌عنوان مثال موسیقی محلی مردم متعلق به یک منطقه جغرافیایی در ایران از موسیقی سنتی-کلاسیکی که در تهران ساخته می‌شود بسیار اصیل‌تر است، زیرا در آن قطعه محلی تلاشی برای جذب مخاطب غیربومی انجام نشده و هر آنچه نواخته یا خوانده می‌شود را تمام مردم متعلق به آن جامعه به سهولت درک و دریافت کرده و می‌پذیرند، از طرف دیگر هیچ نهاد رسمی در هر مرحله برای ساخت و اجرای آن اثر متر و معیار مشخصی را از دیدگاه‌های مختلف عقیدتی، سیاسی یا حتی کیفیت هنری تعیین نمی‌کند. این نکته بسیار مهم است؛ چراکه دولت‌ها همواره سعی بر کنترل، هدایت و یکسان‌سازی فرهنگ‌های متنوع دارند، هیچ دولتی نیز از این امر مستثنا نیست. جریان هنری، ادبی یا فلسفی نوپدید که به محض ورود و حضور در هر جامعه‌ای سعی می‌کنند خرده‌فرهنگ‌ها را تغییر دهند یا دست‌کم تغییرات مشابهی را در خرده‌فرهنگ‌ها ایجاد کنند.

ادراک حسی و هنر مدرن- بخش دوم

بحران اجتماع

ایلیا آل‌خمیس: زیگموند فروید با روان‌شناسی جدیدش در اوایل قرن بیستم، ضربه مهلکی به هنر قرن ۱۹ زد. حقیقت و واقعیت، راهشان را از هم جدا کردند و هنرمند پیشرو درصدد واداشتن مخاطب به اندیشیدن و مشاهده‌کردن شد.

پیکاسو، ماتیس، برتچونی، بکمان، داین، دوشان، کوبیسم و فوویسم، شاگال و پل کله و دیگر غول‌های آن زمان در حال آفرینش جنبش‌های نوین بودند و مجسمه‌سازان به حاضر و آماده و کانستراکتویسم و مجسمه‌های خطی رسیده بود که این طرف جهان و در ایران، ضیاءپور و رفقایش خروس جنگی‌ها را می‌آفریدند. برای رهیافت به هنر نوین ایران و شکل‌گیری‌اش باید کمی صبور بود و به فواصل تاریخی آن، چه از منظر زمان و چه از منظر مکان تأملی بیشتر کرد. دهه ۳۰ شمسی تقریبا مقارن با دهه ۴۸ و ۴۹ میلادی است. دهه ۳۰ در ایران دهه رنج توده بود. اوضاع نابسامان سیاسی و اقتصادی چون کرکسی گشوده‌بال بر فراز مملکت در حال پرواز بود. مجله تهران مصور آن زمان در گزارشی چنین تیتر می‌زند؛ «زنگ‌های خطر به صدا درآمده است». دولت مصدق سقوط کرده است و نارضایتی‌های عمومی افزایش یافته که خودش را بعدها در دهه ۴۰ و ۵۷ نشان داد. ثریا همسر دوم محمدرضا شاه در باب این دهه چنین می‌گوید: «در سال ۱۳۳۳ از یک پرورشگاه، بدون اطلاع قبلی بازدید کردم و بچه‌هایی را دیدم که تمام بدنشان پوشیده از چرک و دمل بود. تورم و گرانی به بحرانی اجتماعی تبدیل شده بود و شکاف عمیقی بین جامعه و هنرمند -روشنفکر در حال رخ‌دادن بود». اهمیت این نگاه اجتماعی در این نکته نهفته است که در چنین دورانی خروس جنگی‌ها ورود هنر مدرن را جشن گرفته بودند. بدون هیچ ارتباط زمینه‌ای بین جامعه و هنرمند. در همین زمان و در آن سوی آتلانتیک، جاکومتی پیکره‌تراشی را به انتزاع رسانده و پرنده‌اش را پرانده بود. فرانسیس بیکن و دوستان انگلیسی‌اش در تلاش برای ایجاد مکتبی انگلیسی بودند و مجسمه‌سازانشان در حال نزدیک‌شدن به نوعی ساختار که بعدها به مینی‌مال رسید. جکسون پولاک و فرانتس کلاین و دکونینگ به چشم‌اندازی تازه در اکسپرسیونیسم انتزاعی رسیده بودند و هنرمندان آفریقایی در تلاش برای به تسخیر درآوردن و رسوخ به هنر آمریکایی.

اما سینمای ایران در دهه ۳۰ برای نزدیک‌شدن ذهن ما به هنرمند آن دوره خالی از لطف نیست. از عروس دجله به کارگردانی نصرت‌اله محتشم تا افسونگر به کارگردانی اسماعیل کوشان و از جدال با شیطان (حسین مدنی ۱۳۳۲) تا شکار خانگی (علی دریابیگی)، تقریبا همه از جامعه‌ای سخن می‌گویند که تمام امیدش را از دست داده و منتظر معجزه‌ای قضا و قدری است. جامعه‌ای که از شدت بحران و شکاف اجتماعی به قصه پریان می‌اندیشد و رؤیایی خیالی در ذهن دارد. خروس جنگی‌ها که اولین هنرمندان پیشرو ایران نامیده می‌شوند در چنین جامعه پر از فقری می‌زیسته‌اند. در جامعه‌ای ارباب‌رعیتی که همیشه به دنبال قهرمانی برای خود می‌گردد. خروس جنگی‌ها در ادبیات نیز با غلامحسین غریب و شیروانی و شیبانی و چند نفر دیگر در تلاش برای مدرنیزه‌شدن بودند که بعدها و در دهه ۴۰، جمالزاده، هدایت و میرزاده طرحی نوتر انداختند که بی‌رابطه با اجتماع دوره خودشان نبود و نسبتا به ساختار مدرن نزدیک‌تر شدند. سؤال اساسی در این نکته پنهان است که هنری که خروس جنگی‌ها در حال خلق آن بودند در چه ارتباطی با جامعه و زمان و مکان آن دوره است. مخاطب آثار خروس جنگی‌ها چه کسانی بودند؟ چه کسانی یا چه گروه‌هایی معرف آنها به‌عنوان نماینده هنر ایران به جهان خارج بودند؟ سؤالی که هم‌اکنون نیز و در قرن ۲۱ و سال ۱۴۰۰ شمسی قابلیت پرسش دارد. چه کسانی و چگونه و چرا، هنرمندانی را به‌عنوان نمایندگان و سرآمدان هنر مدرن ایران به جهان مخابره می‌کنند؟ با کمی صبر به جواب این سؤال مهم نیز خواهیم رسید.

اما در دهه ۴۰ شمسی هنرمند پیشرو به مکتب سقاخانه می‌رسد. قبل از اینکه نگاهی به سقاخانه کارها داشته باشیم، هم‌زمان و به صورت موازی به آن سوی آتلانتیک برویم. راشنبرگ به نوعی نقاشی ترکیبی و چیدمان رسیده بود. او فلسفه زیباشناسی جان کیج را دنبال می‌کرد و درگیر این بود که تمرکز ذهنی تماشاگر را بر هم بزند. جاسپر جونز بوم‌های لتی را آزمایش می‌کرد و هنر وحشت در سالن‌ها برپا می‌شد. فعل و انفعالات هنر در مقابل تماشاگر صورت می‌گرفت و در مجسمه‌سازی تونی اسمیت و دیوید اسمیت به مکعب‌ها رسیدند. مکعب‌هایی که بی‌ارتباط با سقاخانه هم نیست. سقاخانه‌ای که به ظاهر تلاش می‌کرد هنرهای سنتی ایران را با عناصر مدرن تلفیق کرده و مکتبی نو دراندازد و این شیوه وام‌گیری از هنر مدرن غرب، این بار و به شکلی دیگر آغاز شد. صادق تبریزی، پیلارام و چند نفر دانش‌آموخته دانشکده هنرهای تزیینی، در جست‌وجوی زیباشناسی ملی و سنتی بودند. نگاه آنها معطوف اماکن مذهبی و سقاخانه‌ها بود و همین نگاه باعث شد زیبایی بصری جدیدی را در باب محیط اطراف و جامعه دوران‌شان ارائه دهند که به مکتب سقاخانه شهره شد. آغاز کار سقاخانه‌ای‌ها با آثار زنده‌رودی، قندریز، تناولی، عربشاهی، ژازه و دیگران آغاز شد که به‌عنوان هنرمندان پیشرو نسل دوم ایران معروف شدند. این شبه‌مکتب در دوره پهلوی باعث رجعت به ملی‌گرایی در جامعه‌ای فرسوده و عصیان‌زده شد. اما در سقاخانه آنچه به‌عنوان عنصری مهم و قابل احترام وارد شد، خط و خوشنویسی بود. به‌کاربردن خوشنویسی یا حروف کتابتی در هنرهای تجسمی اتفاق بسیار مهمی در هنر مدرن ایران است که خود مقالی دیگر است و جداگانه باید به آن پرداخت. ارتباط کتابت با فرهنگ جامعه ایرانی و ریشه‌های این هنر در فرهنگ و ادبیات عرفانی ایران حائز اهمیت است. توجه زنده‌رودی به ارزش خطی خوشنویسی به‌عنوان عنصری در هنرهای تجسمی او را از هنرمند پیشرو به هنرمندی پست‌مدرن می‌رساند که بعدها همین عنصر را در تلفیقی از مجسمه‌های تناولی می‌بینیم. مجسمه‌هایی که وام‌گرفته از اسمیت‌ها به نظر می‌رسد با ترکیبی از هنر ایرانی-اسلامی که احتمالا این نظر به مذاق پیروان تناولی خوش نیاید. هرچند خاطره ایشان از میدان شوش و ایده‌ها در ذهن نگارنده موجود است. اما عیب می جمله چو گفتی هنرش نیز بگو؛ مهم‌ترین اتفاقی که تناولی در مجسمه‌سازی بعد از صنعتی و پیروانش انجام داد، همین تلفیق و به‌کارگیری درست عناصر بصری و ایجاد مفهومی ایرانی در آثار است که از او هنرمندی مدرن‌کار با ویژگی جهانی می‌سازد. تجزیه و تحلیل آثار تناولی و پیشگامان نسل دوم ملزوماتی دارد که در این مقال نمی‌گنجد اما برای رسیدن به هنرمند نوگرای نسل سوم و هنر امروز ناگزیر باید به آن پرداخت. چراکه معلمان این نسل همین زندگان نسل دوم هستند و شکل ارتباطات و همچنین متولدشدن خانواده‌هایی که یادآور مدیچی‌ها در ایتالیا هستند و ظهور مافیاهای هنری از گالری‌دارها تا کلکسیونرها و همچنین ورود لابی‌های سیاسی و جناحی در تشکیل هنرمندان نسل سوم و نسل حاضر از همین نقطه آغاز می‌شود.

زیر درختان زیتون

ریل‌گذاری جدید برای احیای شورای عالی سینما

• شورای عالی سینما در ابتدای دولت دهم تشکیل شد و قرار بود با توجه به حضور رئیس‌جمهور در این شورا تبدیل به بالاترین مرجع سینمای کشور شود اما متأسفانه بی‌نتیجه ماند! تصویب سیاست‌های کلان سینمای ایران، تعیین سازوکارهای لازم برای اعمال مدیریت هماهنگ منابع و امکانات ملی در عرصه سینما، تصویب برنامه‌های حمایت از تولید آثار فاخر سینمایی، تصویب شیوه‌های حمایت از توسعه شهرک‌ها، پردیس‌ها و فضاهای سینمایی، ارائه تسهیلات و پشتیبانی مالی و اعتباری و حمایت از تأمین کالاها، خدمات و فعالیت‌های سینمایی، تصویب طرح‌های کلان و راهبردی سینمای ایران و اختصاص منابع لازم، پیشنهاد مقررات و لوایح مورد نیاز در حوزه سینما به مراجع ذی‌ربط، اتخاذ راهکارهای مناسب و اصلاح زیرساخت‌ها به منظور بهبود شیوه‌های آموزش و تربیت سینماگران متعهد، تصویب برنامه‌های حمایت از فعالیت‌های پژوهشی و دستیابی به فناوری‌های روز در حوزه صنعت سینما ازجمله وظایفی است که از ابتدای تأسیس برای شورای عالی سینما در نظر گرفته شده است.

در دولت سیزدهم و بعد از یک وقفه هشت‌ساله با تلاش و پیگیری‌های محمدمهدی اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی این شورا قرار است فعالیت و وظایف خود را به نتیجه برساند. براساس خبری که محمد خزاعی رئیس سازمان سینمایی اعلام کرد می‌توان امیدوار بود که با اجرائی‌شدن این امر مهم ابراهیم رئیسی رئیس‌جمهور با اهالی سینما از نزدیک دیدار داشته باشد و در جریان مشکلات مهم و عدیده ازجمله موضوع «امنیت شغلی» که سال‌ها سینماگران با آن روبه‌رو هستند، قرار گیرد. حال که دولت سیزدهم در گام اول تصمیم به تشکیل شورای عالی سینما گرفته خوب است توجه داشته باشد تا این شورا متشکل از سینماگران باتجربه و کارشناسان خبره باشد تا بتوانند در اتخاذ سیاست‌های اصولی و راهبردی دولت در ریل‌گذاری جدید و صحیح سینما نقش مؤثری ایفا کنند. نکته مهم دیگر این است که دو اصل باید در شورای عالی سینما مورد توجه جدی قرار گیرد؛ ابتدا اینکه این شورا نباید جنبه تشریفاتی داشته باشد و مثلا هر چند ماه یک بار رئیس‌جمهور با تعدادی از اهالی سینما دیدار کند و مشکلات آنها را بشنود بلکه باید بعد از شنیدن این مشکلات برای حل آنها تصمیماتی گرفته شود و این تصمیمات لازم‌الاجرا باشد بنابراین باید مصوبات این شورا از قدرتی برخوردار باشد که همه دستگاه‌ها از آن تبعیت کنند مانند مصوبات هیئت وزیران. مسئله دوم این است که مصوبات این شورا باید توسط یک سازمان پیگیری شود تا به مرحله اجرا برسد و به صورت طبیعی این کار باید توسط سازمان سینمایی انجام شود اما متأسفانه ساختار و چارت و بدنه سازمان سینمایی در سال‌های گذشته رشد خوبی نکرده و هنوز به صورت کامل تبدیل به سازمان مستقل نشده و همچنان در حد معاونت باقی مانده است بنابراین باید به صورت هم‌زمان نسبت به قدرتمندکردن و چابک‌سازی سازمان سینمایی به موازات تشکیل شورای عالی سینما اقدام کرد در غیر این صورت مصوبات شورای عالی سینما فقط توقعات را بالا خواهد برد و از فرصت به تهدید تبدیل می‌شود.

افتتاح نمایشگاه در گالری آرتیبیشن

• نمایشگاهی با منتخبی از آثار نقاشانی مانند آرمان یعقوب‌پور، علی رستگار، مرجان نعمتی، شیوا خوشبخت و ساناهین باباجانیانس جمعه ۲۳ مهر در گالری آرتیبیشن رأس ساعت ۱۶ افتتاح شد. آثار این نمایشگاه نمود زیستِ انسانی و حیات جمعی در کنار هزارتوی پنهان و آشکار طبیعت هستند. جایی که زندگی مکانیزه مدرن انسان به‌ناچار در مرحله استیصال به طبیعت و همراهی اجتناب‌ناپذیر با آن بازمی‌گردد. حال آنکه ساختمان‌ها و دیوارها بخش بزرگی از ابعاد زندگی بشر را در خود جای می‌دهند. شکل‌ها و فرم‌هایی ملموس شامل منظره‌ها، سکونتگاه‌ها و بناها، جلوه‌هایی از هنر انسانی‌اند که با بازی میان دانش و بصیرت بیانگر واقعیتی زنده از زندگی مدرن بشریت می‌شوند که فراتر از نیازهای معمولی به معنایی وجودی ارتباط دارند. عناصری که از پدیده‌های طبیعی و انسانی و معنوی نشئت می‌گیرند و برای تجربه تعلق و مشارکت، مکان و فضا را ترجمه می‌کنند و مکان‌مندی را به‌عنوان یکی از ساختارهای اساسی هستی ما در این جهان توصیف می‌کنند.

نمایشگاه به مدت ۱۰ روز و تا سوم آبان ادامه خواهد داشت و بازدید از این نمایشگاه هر روزه از ساعت ۱۱ صبح تا ۲۰ و در روزهای تعطیل از ساعت ۱۶ تا ۲۰ با هماهنگی قبلی امکان‌پذیر خواهد بود.

علاقه‌مندان به دیدن این آثار با رعایت پروتکل‌های بهداشتی می‌توانند به آدرس خیابان شریعتی، پایین‌تر از حسینیه ارشاد، نرسیده به همت، گل‌نبی (غرب)، میدان احمدی‌روشن (کتابی)، خیابان ساسانی‌پور، خیابان دریا (قندی)، پلاک شش، گالری آرتیبیشن مراجعه کنند. همچنین نمایشگاه برای افرادی که در قرنطینه به سر می‌برند، به صورت آنلاین و هم‌زمان با آغاز نمایشگاه در سایت آرتیبیشن (www.artibition.net) دایر خواهد بود. تلفن تماس برای هماهنگی و بازدید از آثار: ۰۲۱۲۲۹۲۲۵۳۸

تلفن پاسخ‌گویی واتس‌اپ و تلگرام: ۰۹۳۷۶۰۳۶۹۶۸